

خبر

اعتماد مردم، سرمایه بی‌پایان بانک ملی ایران

آغاز دور جدید طرح «اعتبار ملی»

با تسهیلات ۷۰۰ میلیون تومانی

بانک ملی ایران پس از استقبال چشمگیر از طرح «مهربانی ملی»، این بار با ارائه دور جدید طرح «اعتبار ملی» گام تازه‌ای در مسیر خدمت‌رسانی به مردم و حمایت از رونق اقتصادی کشور برداشت. به گزارش روابط‌عمومی بانک ملی ایران، در قالب این طرح، هم‌میهنان می‌توانند تا سقف هفت میلیارد ریال تسهیلات در قالب اعتبارهای متنوع و انعطاف‌پذیر، با نرخ سود ترجیحی ۱۸،۱۴ و ۲۳ درصد و دوره بازپرداخت یک تا پنج‌ساله دریافت کنند.



ویژگی برجسته «اعتبار ملی»، فرایند کاملا غیرحضوری دریافت تسهیلات است؛ خدمتی نوین که ضمن تسهیل زندگی مشتریان، بار دیگر اعتماد عمومی به بانک ملی ایران را تقویت کرده است. شایان ذکر است سقف تسهیلات این طرح با هدف حمایت هرچه بیشتر از مشتریان، از ۵۰۰ میلیون تومان به ۷۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است؛ رقمی که در نظام بانکی کشور کم‌نظر محسوب می‌شود. این تسهیلات با شرایط آسان، نرخ‌های سود متنوع و بازپرداخت انعطاف‌پذیر، فرصت مناسبی برای تأمین نیازهای مالی، سرمایه‌گذاری و توسعه کسب‌وکارها فراهم کرده و بار دیگر جایگاه بانک ملی ایران را در ارائه خدمات نوین بانکی تثبیت کرده است.

بانک ملی ایران با اجرای طرح‌های «مهربانی ملی» و «اعتبار ملی»، بار دیگر نشان داد همواره در کنار مردم ایستاده و با نوآوری در خدمات بانکی، اعتماد دیرینه مشتریان خود را بیش از پیش استوار می‌کند.

یادداشت

بازنگری در عنوان «خانه‌دار» در سامانه‌های دولتی

علیرضادقیقی

حقوق‌دان

یکی از مواردی که موجب رنجش و آزدگی مادران در جامعه ما شده، درج عنوان «خانه‌دار» در سامانه‌های دولتی مقابل پرسش «شغل» است. واژه «خانه‌دار» بیشتر ناظر بر فعالیت خدماتی در خانه بوده و در فرهنگ عمومی، اغلب تداعی‌گر فقدان شغل یا اشتغال غیررسمی است. این در حالی است که بخش بزرگی از زنان خانه‌دار در واقع نقش محوری «مادری» را ایفا می‌کنند؛ نقشی که اساس تربیت نسل آینده و بنیان خانواده بر آن استوار است.

تغییر این عنوان از «خانه‌دار» به «مادری» می‌تواند پیامدهای مثبت فرهنگی و اجتماعی به همراه داشته باشد:

۱. ارتقای منزلت اجتماعی: مادری در اسناد رسمی به عنوان جایگاه ارزشی شناخته می‌شود، نه به عنوان فقدان شغل.
۲. تحول در گفتمان فرهنگی: جامعه نگاه خود را از «بیکاری زنان خانه‌دار» به «مسئولیت خطیر مادری» تغییر می‌دهد.
۳. همسویی با سیاست‌های خانواده‌محور: نهادهای حاکمیتی با این تغییر نشان می‌دهند که نقش مادری را همچون دیگر مشاغل به رسمیت می‌شناسند.

تقویت رضایت و اعتماد اجتماعی: مادران با دیدن احترام رسمی به نقششان، حس ارزشمندی و تعلق بیشتری خواهند داشت.
البته باید به این نکته نیز توجه داشت‌که همه زنان خانه‌دار، الزاما مادر نیستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در طراحی گزینه‌ها تفکیک دقیق‌تری لحاظ شود.

به نظر می‌رسد این بازنگری ساده در واژه‌گزینی بتواند اثر فرهنگی قابل توجهی در ارتقای نگرش عمومی نسبت به جایگاه مادران و زنان خانه‌دار ایجاد کند.

پاسفیک: گرانگه‌ها تهدیدات ژئوپلیتیکی چین

محموداشرفی

ژئوپلیتیک فراآتلانتیک دو پیامد مهم شکل‌گیری پیمان ورشو و ناتو را به دنبال داشت، اما در ژئوپلیتیک فرایاسفیک هنوز هیچ پیمان دفاع دسته‌جمعی فراگیر شکل نگرفته است. در حوزه پاسیفیک موازنه قوا به عوامل گوناگونی ارتباط دارد؛ عواملی ناهمگون که بهترین فرصت را برای چیرگی و توسعه مواضع استراتژیک چین فراهم کرده است.

کشورهای حوزه پاسیفیک نگرش‌های متفاوتی نسبت به امنیت ملی خود دارند. درواقع این کشورها تهدیدات چین نسبت منافع ملی خود را به یک میزان برآورد نمی‌کنند. همین امر از شکل‌گیری یک پیمان جمعی کشورهای حوزه پاسیفیک در برابر توسعه‌طلبی‌های چین جلوگیری می‌کند. استرالیا بزرگ‌ترین متحد غرب در حوزه پاسیفیک است. این کشور یک دوگانگی استراتژیک در قبال تهدیدات امنیتی چین دارد؛ از یک سو روابط اقتصادی گسترده‌ای با چین دارد و از سوی دیگر پیمان امنیتی چین و جزایر سلیمان واقع در شمال شرق این کشور، یک تهدید امنیتی ملی برای استرالیا به شمار می‌رود. چین و فیلیپین اختلاف‌های سرزمینی دیرینه‌ای بر سر دریای جنوب چین دارند؛ چین بخش وسیعی از این دریا را قلمرو ملی خود می‌داند و با فشار نظامی، فیلیپین را از این دریا و جزایر مورد ادعا آن دور کرده است. در دریای شرق چین، کشمکش بر سر جزایر غیرمسکونی سن‌کاکو تحت تصرف ژاپن یک ماجرای قدیمی است؛ چین و تایوان ادعای مالکیت این جزایر را دارند. این نمونه دیگری از تضاد استراتژیک در حوزه پاسیفیک بوده و تایوان به عنوان متحد غرب، با چین برای فشار بر ژاپن همسو می‌شود. پیمان‌های نظامی هماهنگی با گسترش تهدیدات چین در حوزه پاسیفیک شکل نگرفته است؛ به طوری که روابط استرالیا و ژاپن بیشتر در قالب همکاری اقتصادی است. چین و ژاپن همکاری اقتصادی را گسترش داده‌اند. استراتژی دوسویه چین، گسترش همکاری اقتصادی منطقه‌ای و تحکیم مواضع نظامی را پیش‌رو دارد. در چنین شرایطی، در ژئوپلیتیک فرایاسفیک شکل‌گیری یک پیمان دفاع جمعی برای رویارویی با توسعه‌طلبی‌های روزافزون چین امکان‌پذیر نیست. چین تبدیل به یک شریک تجاری و یک تهدید منطقه‌ای شده است؛ پدیده‌ای که در نهایت تهدیدی برای امنیت بین‌المللی خواهد بود.

مهدی افشارنیک: در دو سوی بزرگ‌ترین میدان گازی جهان -پارس جنوبی/ گنبد شمالی- دو کشور ایستاده‌اند که هر دو در تابستانی پرآتش طعم تهاجم اسرائیل را چشیدند، اما راهی یکسان نیپیموند. در جنوب این میدان، قطر کوچک و ثروتمند، ترجیح داد سکوت کرده و همچنان کشتی‌های گاز مایعش را روانه دریا کند و به مشتریانش این اطمینان را بدهد در هر صورتی گازشان را تحویل می‌گیرند. در شمال اما ایران پرجمعیت و پرتاریخ، با ایده و روحیه استقلال‌طلبی و دفاع در برابر متجاوز، در برابر تجاوز ایستاد، موشک و پهپاد به آسمان فرستاد و هزینه‌ای سنگین بر اقتصاد خود را پذیرفت، اما خاک وطن را خط قرمزی دانست که معامله نمی‌شود. این دو تصویر نه‌فقط روایت دو کشور، بلکه نماد دو فلسفه متفاوت نسبت به امنیت و دفاع ملی است؛ یکی دفاع را در ثبات بازار جست‌وجو می‌کند و دیگری در ایستادگی بر مرزهای خویش.

فقط دفاع ملی

چند هفته پیش‌تر، ایران در جنگی ۱۲روزه (۱۲ تا ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵) با اسرائیل مسیر دیگری پیمود. اسرائیل تاسیسات هسته‌ای و انرژی را هدف گرفت و تهران با صدها موشک و هزاران پهپاد پاسخ داد.

بهای این ایستادگی سنگین بود: صادرات نفت از ۱۰۷ میلیون بشکه به‌شدت کاهش یافت. در پارس جنوبی، فقط فاز ۱۴ حدود ۱۲ میلیون مترمکعب گاز روزانه از دست داد. بازار نفت ابتدا هراسان شد و برنت از زیر ۷۰ دلار به ۸۱ دلار رسید (افزایشی نزدیک به ۳۰ درصد). اما با اعلام آتش‌بس به‌سرعت فرونشست و حتی به ۶۹،۴۰ دلار رسید؛ پایین‌تر از پیش از جنگ. بیش از این هم ایران با پذیرفتن تحریم‌های سخت آمریکا، خسارت و عقب‌ماندگی‌های زیادی را بر اقتصاد خود تحمل کرده بود و می‌کند.

اما برای ایران، اصل ماجرا چیز دیگری بود؛ دفاع از خاک وطن. این همان چیزی است که در نظریه‌های رئالیستی «بازدارندگی» نام دارد. نشان‌دادن اینکه تجاوز هزینه دارد، حتی اگر اقتصادم آسیب ببیند. در دگترین دفاعی ایران، حاکمیت و استقلال، ارزشی غیرقابل معامله است، نه متغیری اقتصادی.

انرژی؛ سلاح یا سپر؟

تاریخ نشان می‌دهد کشورها در برابر تهدید، راه‌های گوناگونی برگزیده‌اند. گاهی انرژی به سلاح بدل شده است؛ عربستان در ۱۹۷۳ با تحریم نفتی، جهان را به بحران کشاند و روسیه در ۲۰۲۲ گاز را حربه کرد و اروپا را به دردسرهای سختی انداخت. گاهی هم دولت‌های کوچک راه اتحاد با قدرت‌های بزرگ را برگزیده‌اند؛ کویت پس از ۱۹۹۱ و دولت-شهرهایی مانند سنگاپور و موناکو با تکیه بر وابستگی و مراعات همسایگان قدرتمند، بقای خود را تضمین کردند. برای آنان اقتصاد و تجارت ابزار دوام بود، نه مقاومت. نمونه بارز مراعات قدرت بزرگ همسایه را فنلاند در طول جنگ سرد اجرا کرد. کشوری که برای دموکراسی داخلی و برقراری نظم سیاسی‌اش، استقلال خود در برابر شوروری را تقریبا خاموش کرد. کشوری که نه انرژی در اختیار داشت و نه قدرت سخت یک ابرقدرت، اما در روزگار جنگ سرد با «فنلاندیزه‌شدن» راهی میان استقلال رسمی و مراعات شوری یافت. این تجربه نشان می‌دهد دولت‌های کوچک راهی جز این نوع مراعات‌ها برایشان نیست و جای ماجراجویی ندارند. البته نمونه ویتنام شمالی که در برابر آمریکا ایستاد و تمام زیرساخت‌هایش بمباران شد هم در تاریخ وجود دارد.

چرا دوحه چنین کرد؟

- بیش از ۷۰ درصد صادرات LNG قطر در قالب قراردادهای بلندمدت با اروپا و آسیاست؛ نقض حتی یک‌روزه، خسارت حقوقی و مالی داشت.
- برند قطر، «تأمین‌کننده قابل اعتماد» است؛ توقف صادرات این تصویر را فرو می‌ریخت.
- امنیت کشور زیر چتر پایگاه آمریکایی القذیف است؛ دوحه نمی‌تواند منافع غرب را به خطر اندازد.
- جمعیت اندک و ارتش کوچک (حدود ۱۵ هزار نفر)

اساسا توان برخورد مستقل ندارند. البته روشن نیست اگر قطر کشوری پهناور بود و این میزان صادرات و تعهد به دنیا داشت، باز هم این نوع رفتار و سیاست را پیشه می‌کرد یا نه؟



تفاوت ایران و قطر در واکنش به تجاوز اسرائیل

استقلال ملی یا ثبات بازار؟

فقط دفاع ملی

چند هفته پیش‌تر، ایران در جنگی ۱۲روزه (۱۲ تا ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵) با اسرائیل مسیر دیگری پیمود. اسرائیل تاسیسات هسته‌ای و انرژی را هدف گرفت و تهران با صدها موشک و هزاران پهپاد پاسخ داد.

بهای این ایستادگی سنگین بود: صادرات نفت از ۱۰۷ میلیون بشکه به‌شدت کاهش یافت. در پارس جنوبی، فقط فاز ۱۴ حدود ۱۲ میلیون مترمکعب گاز روزانه از دست داد. بازار نفت ابتدا هراسان شد و برنت از زیر ۷۰ دلار به ۸۱ دلار رسید (افزایشی نزدیک به ۳۰ درصد). اما با اعلام آتش‌بس به‌سرعت فرونشست و حتی به ۶۹،۴۰ دلار رسید؛ پایین‌تر از پیش از جنگ. بیش از این هم ایران با پذیرفتن تحریم‌های سخت آمریکا، خسارت و عقب‌ماندگی‌های زیادی را بر اقتصاد خود تحمل کرده بود و می‌کند.

اما برای ایران، اصل ماجرا چیز دیگری بود؛ دفاع از خاک وطن. این همان چیزی است که در نظریه‌های رئالیستی «بازدارندگی» نام دارد. نشان‌دادن اینکه تجاوز هزینه دارد، حتی اگر اقتصادم آسیب ببیند. در دگترین دفاعی ایران، حاکمیت و استقلال، ارزشی غیرقابل معامله است، نه متغیری اقتصادی.

انرژی؛ سلاح یا سپر؟

تاریخ نشان می‌دهد کشورها در برابر تهدید، راه‌های گوناگونی برگزیده‌اند. گاهی انرژی به سلاح بدل شده است؛ عربستان در ۱۹۷۳ با تحریم نفتی، جهان را به بحران کشاند و روسیه در ۲۰۲۲ گاز را حربه کرد و اروپا را به دردسرهای سختی انداخت. گاهی هم دولت‌های کوچک راه اتحاد با قدرت‌های بزرگ را برگزیده‌اند؛ کویت پس از ۱۹۹۱ و دولت-شهرهایی مانند سنگاپور و موناکو با تکیه بر وابستگی و مراعات همسایگان قدرتمند، بقای خود را تضمین کردند. برای آنان اقتصاد و تجارت ابزار دوام بود، نه مقاومت. نمونه بارز مراعات قدرت بزرگ همسایه را فنلاند در طول جنگ سرد اجرا کرد. کشوری که برای دموکراسی داخلی و برقراری نظم سیاسی‌اش، استقلال خود در برابر شوروری را تقریبا خاموش کرد. کشوری که نه انرژی در اختیار داشت و نه قدرت سخت یک ابرقدرت، اما در روزگار جنگ سرد با «فنلاندیزه‌شدن» راهی میان استقلال رسمی و مراعات شوری یافت. این تجربه نشان می‌دهد دولت‌های کوچک راهی جز این نوع مراعات‌ها برایشان نیست و جای ماجراجویی ندارند. البته نمونه ویتنام شمالی که در برابر آمریکا ایستاد و تمام زیرساخت‌هایش بمباران شد هم در تاریخ وجود دارد.

از منظر لیبرالی چاره‌ای جز مراعات نیست!

اما از نگاه نظری، این همان Small States Theory و «وابستگی امنیتی» است؛ دولت‌های کوچک نمی‌توانند بر قدرت سخت تکیه کنند و بقا را در اقتصاد و دیپلماسی

تاریخ یا بازار؟

امروز برنت در حدود ۸۰ دلار معامله می‌شود؛ ۱۱ درصد پایین‌تر از پارسال. صادرات LNG قطر در ۲۰۲۴ به ۷۷ میلیون تن رسید؛ نزدیک به ۱۹ درصد بازار جهان. این اعداد نشان می‌دهد بازار فقط چشم به لوله‌ها و پایانه‌ها دارد، نه به خاک و خون ملت‌ها. اما برای ما ایرانیان، حقیقت دیگری پابرجاست؛ می‌توان مانند قطر بازار را آرام یا مانند ایران از خاک دفاع کرد. بازار شاید سکوت قطر را ستایش کند، اما تاریخ فقط به آرامش بازار کار ندارد. حفظ تمامیت ارضی و خاک از مقولات مورد علاقه اوست تا در موردش بسیار بنویسد.

دیر انجمن مدیریت کیفیت ایران: مدیران ما به عکس یادگاری عادت کرده‌اند، نه کیفیت واقعی.

به کیفیت واقعی. در سال‌های اخیر، پدیده‌ای نگران‌کننده در فضای مدیریتی و اقتصادی کشور در حال شکل‌گیری است؛ پدیده‌ای که نه‌تنها رسالت اصلی همایش‌ها و گردهمایی‌ها را مخدوش کرده، بلکه به انحراف ذهنیت مدیران از مفهوم واقعی کیفیت نیز دامن زده است. فلسفه وجودی همایش‌ها و گردهمایی‌های تخصصی، ایجاد محفل علمی و حرفه‌ای برای تبادل تجربه، ارائه دستاوردهای نو و کمک به توانمندسازی بنگاه‌های اقتصادی است. اما آنچه امروز در برخی برنامه‌ها با عنوان «همایش ملی کیفیت» یا «سمینار تخصصی مدیریت» برگزار می‌شود، بیش از آنکه به اشاعه دانش و ارتقای توانمندی‌ها بپردازد، به محلی برای فروش تندیس‌ها، اعطای گواهینامه‌های بی‌پشتوانه و گرفتن عکس‌های یادگاری با مسئولان تبدیل شده است.

مطابق ماده ۲۰ قانون تقویت و توسعه نظام استانداردسازی، گسترش فرهنگ کیفیت و ارتقای جایگاه استاندارد در جامعه یک وظیفه ملی است. بی‌تردید یکی از ارکان تحقق این مأموریت، برگزاری رویدادهایی معتبر و مبتنی بر ارزیابی‌های واقعی است. اما وقتی همایش‌هایی بدون ارتباط با سازمان ملی استاندارد یا انجمن‌های تخصصی برگزار می‌شوند و ملاک اعطای تندیس، پرداخت هزینه‌های سنگین اسپانسرینگ یا بسته‌های تجاری است، این قانون و فلسفه اصلی آن زیر سؤال می‌رود.

مسئله جدی‌تر آن است که برخی مدیران نیز به این روند نادرست عادت کرده‌اند. به‌جای آنکه با طی مسیر دشوار بهبود کیفیت و اثبات دستاوردها در ارزیابی‌های علمی و حرفه‌ای به افتخار برسند، ترجیح می‌دهند با پرداخت مبلغی، یک تندیس بگیرند و عکسی یادگاری در کنار مسئولان داشته باشند. این رفتار، فرهنگ «کیفیت واقعی» را به «کیفیت نمایشی» تقلیل

می‌دهد و انگیزه‌ها را از مسیر درست منحرف می‌کند. پیامدهای این روند کم‌اهمیت نیست. نخست آنکه اعتماد عمومی به همایش‌ها و جوایز معتبر زیر سؤال می‌رود و تشخیص رویدادهای جدی از نمایشی برای بسیاری دشوار می‌شود. دوم آنکه ارزش و جایگاه جوایز و تندیس‌های اصیل و مبتنی بر ارزیابی از بین می‌رود. سوم و شاید خطرناک‌تر از همه نیز آن است که مدیران جوان و آینده‌ساز کشور تصویری غلط از مسیر تعالی کیفیت دریافت کنند؛ اینکه با پول می‌توان به جایگاه رسید، نه با دانش، تلاش و پایبندی به استانداردها.

امروز بیش از هر زمان دیگری لازم است که مدیران پیش از حضور در چنین همایش‌هایی، استعلام لازم را از سازمان ملی استاندارد ایران یا انجمن‌های معتبر حوزه کیفیت انجام دهند. رسانه‌ها نیز وظیفه دارند با اطلاع‌رسانی دقیق، فضای عمومی را نسبت به تفاوت میان رویدادهای واقعی و رویدادهای نمایشی روشن کنند.

باید یادآور شد که کیفیت خریدنی نیست. کیفیت محصول سال‌ها تلاش برای اصلاح فرایندها، آموزش کارکنان، نوآوری در خدمات و پایبندی به استانداردهای معتبر است. هیچ تندیس، هیچ لوحی و هیچ گواهینامه‌ای نمی‌تواند جای خالی این مسیر دشوار و ارزشمند را پر کند.

اگر امروز در برابر این بدعت نایستیم، فردا نه‌تنها مفهوم کیفیت به کالایی تجاری و قابل خرید تبدیل می‌شود، بلکه سرمایه اجتماعی و ملی ما در مسیر استانداردسازی نیز آسیب جدی خواهد دید.

کیفیت باید همچنان نماد شایستگی، خلاقیت و توانمندی سازمان‌ها باشد، نه نماد پرداخت پول برای تندیس‌های بی‌اعتبار.

خبر

طلا در یک قدمی ۳۸۰۰ دلار

قیمت طلا در معاملات روز چهارشنبه بازار جهانی که سرمایه‌گذاران منتظر گزارش تورم آمریکا در هفته جاری و ارزیابی اظهارات رئیس فدرال‌رزرو درباره کاهش نرخ بهره بودند، حوالی بالاترین رکورد خود ایستاد. به گزارش ایسنا، بهای هر اونس طلا برای تحویل فوری پس از ثبت رکورد سه هزار و ۷۹۰ دلار و ۸۲ سنت در معاملات روز سه‌شنبه، در معاملات روز جاری بدون تغییر ماند و در سطح سه هزار و ۷۶۲ دلار و پنج سنت ایستاد. هر اونس طلا در بازار معاملات آتی آمریکا برای تحویل در دسامبر، با ۰،۶ درصد کاهش، سه هزار و ۷۹۴ دلار و ۵۰ سنت معامله شد. شاخص دلار آمریکا نزدیک به پایین‌ترین سطح یک هفته اخیر باقی ماند و دلار ضعیف، طلا را که به ارز آمریکا قیمت‌گذاری می‌شود، برای خریداران خارجی ارزان‌تر می‌کند. جروم پاول، رئیس فدرال‌رزرو، سه‌شنبه گفت: بانک مرکزی آمریکا باید در تصمیمات آتی نرخ بهره، به ایجاد تعادل بین خطرات رقابتی تورم بالا و تضعیف بازار کار ادامه دهد. گزارش هفتگی تعداد متقاضیان بیمه بیکاری آمریکا قرار است روز پنجشنبه منتشر شود و پس از آن شاخص هزینه‌های مصرف شخصی، منتشر خواهد شد. طبق ابزار دیده‌بان فدرال شرکت CME، معامله‌گران انتظار دو دور دیگر کاهش نرخ بهره به میزان ۲۵ واحد پایه را در سال میلادی جاری دارند. آنها احتمال کاهش نرخ بهره در اکتبر را ۹۳ درصد و در دسامبر را ۷۷ درصد پیش‌بینی می‌کنند. بر اساس گزارش روتیتر، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در جدیدترین گزارش چشم‌انداز اقتصادی خود اعلام کرد: تأثیر کم‌افزایش تعرفه‌های آمریکا هنوز در حال آشکارشدن است و تاکنون شرکت‌ها بخش عمده‌ای از این شوک را از طریق حاشیه سود کمتر و ذخیره موجودی، نشان داده‌اند. در بازار سایر فلزات ارزشمند، بهای هر اونس نقره بدون تغییر ماند و در ۴۴ دلار و دو سنت ثابت ایستاد. بهای هر اونس پلاتین نیز بدون تغییر ماند و هزار و ۴۷۸ دلار ۱۵ سنت معامله شد و هر اونس پالادیوم با ۰،۴ درصد کاهش، به هزار و ۲۱۴ دلار و ۷۸ سنت رسید.

کاهش تدریجی رشد اقتصاد جهانی تا ۲۰۲۶

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی پیش‌بینی کرد رشد اقتصاد جهان از ۳،۳ درصد در ۲۰۲۴ به ۲،۹ درصد در ۲۰۲۶ کاهش یابد. به گزارش مهر، این کاهش سرعت با وجود بهبود پیش از حد انتظار در نیمه اول سال ۲۰۲۵ رخ می‌دهد. طبق گزارش این سازمان، ذخایر اولیه کالاها که با پیش‌بینی اعمال تعرفه‌های بالاتر آنباشته شده بودند، در حال کاهش است و اجرای تعرفه‌ها و عدم قطعیت مداوم در سیاست‌ها، بر سرمایه‌گذاری و تجارت تأثیر منفی می‌گذارد. پیش‌بینی می‌شود رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال ۲۰۲۵، به ۱،۸ درصد و در سال ۲۰۲۶، به ۱،۵ درصد کاهش یابد، همچنین رشد اقتصادی منطقه یورو در سال ۲۰۲۵، به ۱،۲ درصد و در سال ۲۰۲۶ به میزان یک درصد باشد. رشد اقتصادی چین نیز در سال ۲۰۲۵، به ۴،۹ درصد و در سال ۲۰۲۶ به ۴،۴ درصد کاهش یابد. این سازمان پیش‌بینی کرد نرخ تورم در بیشتر اقتصادهای گروه ۲۰ با کندی رشد اقتصادی و کاهش فشارهای بازار کار، کاهش یابد و تورم کل از ۳،۴ درصد در سال ۲۰۲۵، به ۲،۹ درصد در سال ۲۰۲۶ نزول کند، در حالی که نرخ تورم هسته در اقتصادهای پیشرفته گروه ۲۰ در سال ۲۰۲۵، به ۲،۶ درصد و در سال ۲۰۲۶، به ۲،۵ درصد رسیده و نسبتاً پایدار بماند. مائتاس کورمن، دبیرکل سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تأکید کرد هرچند اقتصاد جهانی انعطاف‌پذیری نشان داده، اما تأثیرات کامل تعرفه‌های بالاتر و عدم قطعیت سیاست‌ها هنوز احساس نشده است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی توصیه کرد بانک‌های مرکزی هوشیار باشند و به‌سرعت به تغییرات در خطرات ثبات قیمت‌ها پاسخ دهند. این سازمان پیشنهاد کرد کاهش نرخ سیاست پولی باید در اقتصادهایی که پیش‌بینی می‌شود تورم به سمت اهداف بانک مرکزی تعدیل شود، ادامه یابد، مشروط بر اینکه انتظارات تورمی به‌خوبی تثبیت شوند. این گزارش همچنین بر لزوم انضباط مالی برای رسیدگی به فشارهای فرزانده بودجه و بدهی عمومی بالا تأکید کرد و خواستار تلاش‌های قوی‌تر برای بهینه‌سازی درآمدها برای اطمینان از تثبیت بار بدهی شد.